

طلوع روزنامه

تاریخ ۲۶
شهر یور ۱۳۹۸
سه شنبه

باران این شهر
چتر نمی خواهد
دست از سرم
بردارید
من
از گلولی مردی
رها شده ام
که به سوختن تب هایم
فکر می کند...



صفحه ۶
شماره ۲۶۱۱
سال
بیست و پنجم

ادبی و هنری



زوریای رقصان

در شهوت یونان
مگر بیوهها سینه بپندهاند!
برای پر کردن شیشه های
مه گرفته
زوریا
فیلم نکن مرد
دریا دارد بالا می آورد
پاروهای بی دست را
که زنان مرده اند
در شب
به لبانم سیگار تعارف کن
بین مرد
تو خوب می رقصی
ساحل از پاهایت
می لرزد
جنبش مردی
این چشمان دریده را کی
نوشت؟!
دریا دارد بالا می آورد
کف دهانش را
به زمین
زمین پاهای تو را
برقص مرد
رقص که مال مرد نیست
دریا دارد بالا می آورد
زن را
در سیگار تو روشن کن



قاسم پشگلانی



پاکسر براتی

«خوش به حال تو»
چقدر توی دلم نقشه کشیدم که نشد
چقدر حرف زدند طعنه شنیدم که نشد
گفته بودند نکند دیر کنی تا برو
من که هر وقت بیاست رسیدم که نشد
کوه قندیل شده عمق وجودم عمریست
تو امان داغ تو را هر چه چکیدم که نشد
لااقل پیش من از عاشقی و عشق نگو
وسط حرف شما هر چه پریدم که نشد
مست در ناز تو با ساز خیالم همه شب
چنگ دستان تو بر موی سپیدم که نشد
خوش به حال تو که رفتی و دلت را بردی
من ولی پای دلم ماندم و دیدم که نشد



نسرین خواجه

دهانش بوی گوشت گرفت
دخترک کارتن خواب
وقتی مسواکی از
سطل زباله ها پیدا کرد
دور دهانش را گرفت
تا مغز استخوانش بو را بلعید
گوش هایش را بست
آنقدر دوید که نفس اش برید
خودش را به کارتن های خانه ماندشان
رساند
تا ها کند و بوی گوشت را
با برادر و خواهر هایش قسمت کند
خانه پر بود از بوی گوشت
با تعجب دنبال بو بود
یادش رفت از دهان خودش
چشمانش پر از اشک شد
و
به خودش قول داد
که دیگر به هیچ مسواکی لب نزد
وقتی دست سوخته برادرش را از منقل
تریاک
مادرش جدا می کرد!

سرنشک مهر من گر بر کویر خاره ای ببارد
در آن صد غنچه عشق و وفاداری به بار آرد
مشو غمگین اگر پندم دل ناز تو آرد
اگر زلفت به هر تازی اسیر تازهای دارد
مبارک باشد اما دلبری اندازه ای دارد
نمی دانم چرا آن مه کمی با ما نمی ماند؟!
ز چشم خود مرا هر دم ز جور خویشتن راند
پیام درد جانسوزم ز چشمانم نمی خواند؟!
تغافل برد از حد شوخ چشمنم نمی داند؟!
جفا قدری، ستم حدی و ناز اندازه ای دارد
دو چشم عاشقان هر آن چنان ابر بهاران است
جفا و مهر مهریوان به چشم او جو احسان است
تو را گویم سخن جانان که در لافه پنهان است
محبت را لب خاموش و گویا هر دو یکسان است
چو بلبل آتش پروانه هم آوازه ای دارد
اگر تریسی ز جان داری، ز راه عشق بیرون شو
و یا چون من بی دلبر به راه عشق دلخون شو
اگر سودی ز بازار وفا می خواهی مفتون شو
اگر سودای لیلی بر سرست افتاده مجنون شو
که هر شهری به صحرا چون دروازه ای دارد
غزل: مجذوب تیریزی/ مستط تضمین از کمال ساوجی



فاطمه نژادوردی

کاش بدانی بعد تو در دلم چه غوغاها شده
قلب من به عشق تو مدت ها هست اقوا شده
روحم رفته از بدن دور گشته و رها شده
لبخندهای من بعد تو هم مزه الوا شده
غوره های صبر من مدت ها هست حلوا شده
اما وعده های تو یک به یک باد هوا شده
بین عقل و قلب من مدتیست بلوا شده
چاره دردم خوب می دانم فقط تقوا شده

منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایند. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی شود.

toloudaily@gmail.com
کارشناس (این شماره) سرویس ادبی-هنری: محمود شیر بازو



لؤلؤ سلطانی

گفتم که عاشقم نشو، اما من عاشقت شدم
باور نمی کنم خودم مات دوتا چشمت شدم
گفتم برو تو لعنتی
دوری کن از دور بوم
از من گذشت عاشق شدن... حتی گذشت
آب از سرم
گفتی پیشونم شدی، مجنون و حیرونم شدی
آواره و دربه در
شهر و خیابونم شدی...
آهسته بعد مدتی
رفتی فراموشم کنی
شمعی شدم با رفتنت
خواستی که خاموشم کنی
اما حالا به سالیه
قلب من از غصه پُره
آخه نفهمیدی دلجم
از عشق تو نمیبیره...
تابستان
شب هایش را دوست دارم
هر چند کوتاه
دوست دارم
هر شب
تمام لحظه هایم را
در قدم زدن های پیاده رو بگذرانم.
شب های مهتابی تابستان
پر از زیبایست
زیر نور مهتاب
همپای ستاره ها
با خیالی شاعرانه
و رؤیایی شیرین
دوست دارم
تمام شب های تابستانم را
در قدم زدن های پیاده رو بگذرانم.
قدم می زنم زیر چراغ فانوس پیاده رو
قدم هایم را آهسته بروم دارم
تا صدای قدم هایم
بیدار نکند خیال عاشقی را
و من همچنان گوش کنم و لذت ببرم
از این عشق بازی با شب های تابستان
بلی
دوست دارم
تمام شب های تابستانم را
در قدم زدن های پیاده رو بگذرانم.



مهدی عطار زاده

خدایا تو هستی سمیع و بصیر
برایم چه مشکل شده زندگانی
ندانم چگونه بیان کنم من
بُود مرگ، بهتر از این معانی
به میل خودم نیستم من به دنیا
که خود را رها سازم از زندگانی
مرا خواهی هست جداً خدایا
خودت مشکلم را به پایان رسانی



شماره و رسالتی

تنهایی یک شمع را پروانه هم پُر می کند
تنهایی یک کوچه را یک خانه هم پُر می کند
در امتداد قصه های ناتمام دردها
تنهایی یک مرد را یک شانه هم پُر می کند

تجدید آگهی مناقصه عمومی ۰۶۷-۹۸

نوبت اول: ۹۸/۰۶/۲۵ افسانه نوبت دوم: ۹۸/۰۶/۲۶ طلوع سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری شیراز در نظر دارد خرید، حمل و نصب اسپلیت ۴ طرفه کاستی اینورتر سرایش، گرمایش BTU/H3۶۰۰ جهت پروژه مجتمع تجاری و پارکینگ سری نور فخرآباد را با برآورد اولیه ۸/۱۳۴/۵۰۰/۰۰۰ ریال، از طریق مناقصه عمومی به شرکت کنندگان واجد شرایط با توجه به شرایط زیر واگذار نماید که دعوت بعمل می آید.

کلیه کسانی که دارای یکی از شرایط زیر باشند در مناقصه شرکت نمایند:
۱- کلیه فروشگاه های دارای سوابق مشابه. ۲- کلیه نمایندگی های مجاز دارای سوابق مشابه. ۳- کلیه اشخاص حقیقی دارای سوابق مشابه. بانوجه به موارد ذیل جهت اخذ اسناد مناقصه به آدرس: بلوار عدالت جنوبی- ابتدای بلوار دولت- جنب درمانگاه آزادگان- واحد قراردادهای سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری مراجعه نمایند. ضمناً در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر شماره تلفن: ۰۷۱-۳۸۳۵۰۷۲۹ آماده پاسخ گویی می باشد. مدت انجام کار یک ماه مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۴۰۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال بصورت ضمانت نامه بانکی یا فیش واریزی نقدی به حساب سیرده شماره ۱۰۷۸۷۱۳۰۳۲۶ بنام سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری شهرداری شیراز نزد بانک شهر شعبه شهید چمران. برندگان اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سیرده آنان به ترتیب ضبط خواهند شد. در زمان انعقاد قرارداد ۵٪ مبلغ پیشنهادی بعنوان ضمانت اجرای تعهدات بصورت ضمانت نامه بانکی یا فیش واریزی نقدی اخذ می گردد. پیش پرداخت طبق شرایط مندرج در اسناد مناقصه پرداخت نخواهد شد.

محل برگزاری کمیسیون مناقصه به نشانی چهار راه خلدبرین، سالن جلسات اداره کل حقوقی شهرداری شیراز می باشد. آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات مورخ ۹۸/۰۷/۱۰ می باشد. بدیهی است هزینه آگهی بهنده برنده مناقصه خواهد بود و شهرداری در رد یک یا تمام پیشنهادات مختار می باشد. مدت اعتبار پیشنهادها سه ماه می باشد. جهت دریافت اسناد مناقصه ارائه کپی کارت ملی و معرفی نامه الزامی است. شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری موضوع ماده ۱۰ آئین نامه معاملات شهرداری می باشد. سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مناقصه در اسناد مناقصه مندرج است.

شناسه آگهی: ۵۹۸۷۷۳
م/۸۳۳۱ الف
۳۱۵۶۰

اداره کل ارتباطات و امور بین الملل شهرداری شیراز

آگهی مناقصه

دهیاری روستای دشت ارژن در نظر دارد سنگ فرش کوچه های روستا را از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مناقصه به بخشدار ارژن مراجعه نمایند. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۵ درصد قیمت پیشنهادی به صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش نقدی به حساب ۵۴۹۳۷۲۱۳۹۹۱۰۸۱۱۹ می گردد. آخرین مهلت تسلیم اسناد در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۱ می باشد. ضمناً پروژه دارای دیون می باشد هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود. دهیاری در رد یا قبول پیشنهادات مختار می باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر به شماره ۰۹۱۷۳۱۷۱۱۵۸ آقای عباسی تماس فرمائید.

۳۱۵۶۳ الف
م/۸۴۵۹ الف
شناسه آگهی: ۶۰۰۱۱۹

دهیاری روستای دشت ارژن

آگهی فقدان سند مالکیت بخش ۴ شیراز

آقای حسین نوروزی با تسلیم دو برگ استثنایه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۳۵ و ۱۵۶ شیراز تنظیم گردیده است مدعی است که تعداد یک برگ سند مالکیت مربوط به شش دانگ پلاک ثبتی ۱۰۰/۱۸ واقع در بخش چهار شیراز که تحت دفتر املاک الکترونیک ۱۳۹۷/۳۱۱۱۰۰۱۰۴۹۷۱ با نام حسین نوروزی ثبت و سند مالکیت بشماره چایی ۵۹۹۹۵۵ ج/۹۴ صادر و ذیل بازداشت الکترونیک شماره ۱۳۹۵/۵۸۱۱۰۰۱۰۰۲۲۹۲ و ۱۳۹۵/۵۸۱۱۰۰۱۰۰۲۲۹۸ و ۱۳۹۵/۵۸۱۱۰۰۱۰۰۲۴۱۴ و ۱۳۹۵/۵۸۱۱۰۰۱۰۰۲۴۳۹ و ۱۳۹۵/۵۸۱۱۰۰۱۰۰۲۴۳۵ و ۱۳۹۷/۵۸۱۱۰۰۱۰۰۲۴۳۵ تحت بازداشت دائم می باشد و به علت اسباب کتبی مفقود گردیده است و نامبرده تقاضای صدور سند المثنی نموده است مراتب طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت آگهی می شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسیده و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود اداره ثبت سند مالکیت المثنی را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

۷۷۳۴ الف
۳۱۵۶۶/۱۹۱۲۷۱
حمید کشاورز- رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۱ شیراز